

# کیمیای محبت

یادنامه  
مرحوم سید علی خايط (مکوکویان)  
[www.yetab.ir](http://www.yetab.ir)

محمّدی‌ای شهری

سر شناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -  
عنوان ونام پدید آور : کیمیای محبت: یادنامه شیخ رجبعلی خیاط (نکوگویان) / محمد محمدی ری شهری  
سر ویراستار محمدهادی خالقی؛ ویراستار سید محمددلال موسوی.  
مشخصات نشر : قم : مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۴۳۲ ص.

ISBN: 978 - 964 - 493 - 852 - 8

وضیعت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ قبلی: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰ (۳۰۱).

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۱۲ - ۴۱۶.

موضوع : خیاط، رجبعلی، ۱۳۴۰ - - سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ م۳۵ خ/۳ - ۳۲۵۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۷۹۷۰۷

www.ketab.ir

**کیمیای حدیث : یادنامه مرحوم شیخ رجبعلی خیطاط (نکوگویان)**

محمد محمدی ری شهری

بازبین نهایی : محمد مهدی خوش قلب

سرپرستار : محمد هادی خالقی

ویراستار : سید محمد دلّال موسوی

فهرست ساز : علی اصغر دریاب

نمونه خوان : سید هاشم شهرستانی ، محمود سپاسی ، امیرحسین سعیدی صابر

خوش نویس : حسن فرزندگان

صفحه آرا : علی اصغر دریاب

ناشر : مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

چاپ : شصت و ششم / ۱۴۰۳

چاپخانه : اشراق

شمارگان : ۲۰۰۰



مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

www.ketab.ir

فروشگاه مرکزی: قم، خیابان معلم غربی، نبش کوچه ۱۲، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۴۵ / کدپستی:

۳۷۱۵۶۱۶۳۸۵

فروشگاه شماره «۱»: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹ تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۰۹ /

۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره «۲»: (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب شرقی ۷) تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳»: (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب جنوبی) تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

Shop.darolhadith.ir

خرید مجازی:

ISBN: 978 - 964 - 493 - 852 - 8

@shop\_DH



سایت انتشارات:

http://shop.darolhadith.ir

\*کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

# فهرست اجمالی مطالب

پیش‌گفتار ..... ۷

## بخش یکم: ویژگی‌ها

۱۸	فصل یکم: زندگی
۲۵	فصل دوم: کار
۳۳	فصل سوم: ایثار
۳۶	فصل چهارم: تعبّد
۴۳	فصل پنجم: اخلاق
۵۱	فصل ششم: انتظار فرج
۵۴	فصل هفتم: شعر
۷۳	فصل هشتم: سیاست

## بخش دوم: تحوّل

۹۰	فصل یکم: تربیت الهی
۹۷	فصل دوم: امدادهای غیبی
۱۰۳	فصل سوم: کمالات معنوی

### بخش سوم: سازندگی

۱۳۶	..... فصل یکم: روش سازندگی
۱۷۸	..... فصل دوم: اساس خودسازی
۱۸۸	..... فصل سوم: کیمیای سازندگی
۲۱۸	..... فصل چهارم: اخلاص اولیای خدا
۲۳۹	..... فصل پنجم: ذکر اولیای خدا
۲۵۲	..... فصل ششم: نیایش اولیای خدا
۲۶۲	..... فصل هفتم: احسان اولیای خدا
۲۷۹	..... فصل هشتم: نماز اولیای خدا
۲۸۷	..... فصل نهم: حج اولیای خدا
۲۹۴	..... فصل دهم: بیم اولیای خدا

### بخش چهارم: وفات

۳۰۰	..... فصل یکم: وفات شیخ رجبعلی خیاط
۳۰۹	..... فصل دوم: وفات آیه الله حجت
۳۱۷	..... فصل سوم: وفات حاج آخوند تربتی

### بخش پنجم: برخی مریبان و شاگردان جناب شیخ

۳۲۲	..... فصل یکم: مریبان
۳۵۰	..... فصل دوم: شاگردان (بر اساس تاریخ تولد)
۳۷۱	..... تصاویر
۳۸۳	..... فهرست ها

## پیش‌گفتار

نخستین پرسشی که در باره نگارش یادنامه عبد صالح و عارف فرزانه، جناب «شیخ<sup>۱</sup> رجبعلی خیاط» توسط نگارنده این مجموعه، ممکن است به نظر خواننده این کتاب برسد - بخصوص اگر از شاگردان شیخ باشد -، آن است که: نگارنده‌ای که هرگز شیخ را ندیده یا نرفته کاری و تحقیقاتی او یادنامه‌نگاری نیست، چرا و با چه انگیزه‌ای قدم در این میدان برداشته است؟

### جاذبه سخنان شیخ

در روایت است که امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا.<sup>۲</sup>

همراه هر حقیقی، حقیقتی و همراه هر کار درستی، نوری است.

در آغاز جوانی، وقتی در برخوردی اتفاقی در مسجد جمکران قم با یکی از ارادتمندان شیخ رجبعلی، نسبت به آن بزرگوار، غایبانه ارادت پیدا کردم، در سخنان

---

۱. شیخ رجبعلی خیاط، طلبه یا عالم دینی نبوده است و تعبیر «شیخ» که از روزگار حیات وی در باره‌اش به کار می‌رفته، از اصطلاحات اصناف و مشاغل در زبان فارسی و به معنای: بزرگ صنف، پیر صنف، خوش‌نام‌ترین فرد صنف، و مراد و مرشد و الگوی دارندگان یک شغل است (در این باره، ر.ک: فرهنگ بزرگ سخن). به علاوه، در گذشته، عموم مردم نیز گاهی تعبیر «شیخ» را برای معلم، مربی و مُرشد، به کار می‌برده‌اند (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا).

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۴، ح ۴؛ میزان الحکمة با ترجمه فارسی، ج ۱۲، ص ۴۶۰ (باب ۳۹۰۴، ح ۲۰۸۷۸).

او، حقیقت، نورانیت و جاذبه‌ای دیدم که عطر کلام اولیای خدا از آن استشمام می‌شد.

سال‌ها بود که آرزو داشتم روزی سیره و سخن آن «نگار به مکتب نرفته» و آن آموزگار اخلاق - که بسیاری از استادان دانشگاه و حوزه در برابرش زانوی ارادت بر زمین می‌زدند -، تدوین شود و در اختیار همگان، بویژه نسل جوان - که در آغاز راه زندگی، سخت بدان نیازمندند - قرار گیرد.

بی تردید، اگر از شاگردان شیخ، آنان که دستی در نگارش و نویسندگی دارند، بدین کار ارزنده و سازنده همّت می‌گماردند، مجموعه‌ای بس کامل‌تر از آنچه در پیش روست، سامان می‌یافت؛ اما به هر دلیل، این کار انجام نگرفت و این در حالی بود که شاگردان شیخ و همراهانی که می‌توانستند در ساماندهی چنین مجموعه‌ای نقش مفیدی داشته باشند، بجز پس از دیگری، بار سفر می‌بستند و به دیار باقی می‌پیوستند.

به تدریج، احساس کردم که فرصت دست می‌رود و اگر در این مقطع، خاطرات آن دسته از ارادتمندان شیخ که در قید - زندان - گردآوری نشود، شاید پس از این، هیچ‌گاه سرگذشت آموزنده‌ او به نگارش در نیاید و تشنگان حقیقت، از شناخت حقایقی که این مرد الهی به آنها دست یافته بود، برای همیشه محروم بمانند. از این رو، موضوع را با یکی از برادران، در میان گذاشتم و از او خواستم که بر مبنای محورهایی که معین کرده بودم، با ارادتمندان ایشان، مصاحبه و خاطراتشان را روی نوار، ضبط نماید.

این کار انجام گرفت و مصاحبه‌ها بر روی کاغذ آمد و با مساعدت «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی»، تنظیم و به نام تندیس اخلاص، در خرداد ماه سال ۱۳۷۶ به وسیله «انتشارات دار الحدیث»، منتشر گردید.

کتاب تندیس اخلاص، با این که از کاستی‌ها پیراسته نبود، به برکت جاذبه این مرد الهی، سخت مورد استقبال خوانندگان، بویژه نسل جوان قرار گرفت، به گونه‌ای که

در مدّتی کوتاه، یازده بار تجدید چاپ شد و بیش از یکصد هزار نسخه از آن در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

در ادامه تحقیقات، با ادامه یافتن گفتگوها و نیز رسیدن نامه‌ها و مکتوبات بیشتری به دست این جانب، نکات ارزنده‌تری از سیر و سلوک و روش خودسازی شیخ، کشف شد. این بار، با وجود سنگینی مسئولیت‌های شغلی‌ام، به دلایلی تصمیم گرفتم خود، مجموعه‌ای سامان دهم که تا حدودی بتواند شخصیت معنوی، راز پیشرفت و روش خودسازی آن سالکِ واصل را بازگو کند. حاصل این تصمیم، به فضل الهی، کتابی شد به نام *کیمیای محبّت* (همین کتاب)<sup>۱</sup> که چاپ نخست آن، در سال ۱۳۷۸ منتشر گردید.<sup>۲</sup>

### شیوه نگارش

برای تألیف این کتاب، ابتدا همه نوشته‌هایی که با نزدیکان و ارادتمندان شیخ رجبعلی انجام شده بود، بار دیگر، بازنگری و با دقت برداری شد. پس از آن، نکات مهم و آموزنده‌ای که در این گفتگوها وجود داشت استخراج شد و در قالب چهار بخش: ویژگی‌ها، تحوّل، سازندگی، و وفات، قرار گرفت. پس از آن، کار

۱. این کتاب، تا آن‌جا که می‌دانیم، بر پایه همان چاپ ۱۳۷۸، به هفت زبان نیز ترجمه شده است: به عربی با عنوان *کیمیاء المحبّة* (مترجم: خلیل العصامی)، به انگلیسی با عنوان *The Elixir of Love* (مترجم: Ahmad Ridwani)، به ترکی آذری با عنوان *Mahabbat Iksiri* (مترجم اسکندر حسین آف)، به مالایایی با عنوان *Senyawa Cinta* (مترجم: Arif Mulyadi)، به اسپانیولی با عنوان *La Alquimia del Amor* (مترجم: Feisal Morhell)، به اردو با عنوان *پهراس نی خدا کو پالیا* (مترجم: ضرغام حیدر نقوی)، به زبان تایلندی (مترجم: رینان آرون رانگسی).

۲. می‌توان گفت: شمارگان نشر یافته کیمیای محبّت، در مجموع تا کنون قریب یک میلیون نسخه است و چه بسا راز استقبال کم‌نظیر از آن، افزون بر جذّاب بودن سیره و سخن شیخ، عنایت روح پرفتوح آن مرد الهی باشد؛ زیرا، حق التألیف این کتاب، وقف کارهای خیر است و ثواب آن به روح منور آن مرحوم هدیه می‌شود. سزاست آن‌ان که می‌توانند، در سازندگی جامعه، بویژه نسل جوان، نقش پررنگ‌تری ایفا نمایند.



اصلي فصل‌بندی و تدوین، آغاز گشت.

نکته مهمی که شیوه نگارش یادنامه جناب شیخ را از یادنامه‌ها و زندگی‌نامه‌های دیگر جدا می‌سازد، بهره‌گیری از نصوص اسلامی (متون قرآن و حدیث)، برای مستندسازیِ رهنمودهای جناب شیخ یا برخی از مکاشفات اوست. همچنین به برخی مکاشفه‌ها و کرامت‌هایی که برای دیگر اولیای خدا اتفاق افتاده و با موضوع بحث متناسب بوده، اشاره شده است.

گفتنی است آنچه از نصوص (متون) اسلامی در هر مبحث مورد اشاره قرار گرفته، به عنوان نمونه بوده است و علاقه‌مندان، برای مطالعه بیشتر در موضوع مورد نظر، می‌توانند به نشانی‌هایی که در پانوشته‌های کتاب به میزان الحکمة با ترجمه فارسی<sup>۱</sup> داده شده، مراجعه فرمایند.

#### فراتر از یادنامه

بدین ترتیب، یادنامه مرحوم شیخ رجب‌علی، فراتر از یک یادنامه، نه تنها کتابی شد که راه خودسازی و رسیدن به مقصد اعلای اسلامی را نشان می‌دهد، بلکه خود، دارویی برای سازندگی گشت که سالک را از راه توسل و تمسک به قرآن و سنت معصومان، به سوی مقامات اهل حق و در واقع به سوی حقیقت، هدایت می‌کند.

حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - در مقدمه کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، ضمن تأکید بر عدم کارآیی کتاب‌هایی که به طریق علمی و فلسفی در باره اخلاق نوشته شده‌اند و با اشاره به نیاز جامعه به کتاب‌های اخلاقی‌ای از این دست، می‌نویسد:

به نظر قاصر، اخلاق علمی و تاریخی، و همین‌طور تفسیر ادبی و علمی و شرح احادیث بدین منوال، از مقصد و مقصود، دور افتادن و تبعید قریب

۱. کتاب نگارنده که با ترجمه آقای حمیدرضا شیخی، از سال ۱۳۷۷ تاکنون، بارها به وسیله انتشارات دار الحدیث، منتشر شده است.

نمودن است. نویسنده را عقیده آن است که مهم در علم اخلاق و شرح احادیث مربوطه به آن یا تفسیر آیات شریفه راجعه به آن، آن است که نویسنده آن با اِشَار و تَنْذیر و موعظت و نصیحت و تذکّر دادن و یادآوری کردن، هر یک از مقاصد خود را در نفوس، جای‌گزین کند.

و به عبارت دیگر، کتاب اخلاق، موعظه کتبیّه باید باشد و خود، معالجه کند دردها و عیب‌ها را، نه آن که راه علاج نشان دهد.

ریشه‌های اخلاق را فهماندن و راه علاج نشان دادن، یک نفر را به مقصد، نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهد و یک خُلق فاسد را اصلاح ننماید. کتاب اخلاق، آن است که با مطالعه آن، نفس قاسی، نرم، و غیر مهذب، مهذب، و ظلمانی، نورانی شود، و آن، به آن است که عالم در ضمن راه‌نمایی، راهبر، و در ضمن ارائه علاج، مُعالج باشد و کتاب، خود، دواي درد باشد، نه نسخه دوانما.

طیبِ روحانی، باید در این حکم دوا داشته باشد، نه حکم نسخه، و این کُتب مذکوره، نسخه هستند، نه دوا؛ بلکه جرئت بود، می‌گفتم نسخه بودن بعضی از آنها نیز مشکوک است؛ ولی از این و این‌ها صرف نظر کردن، اولی است.<sup>۱</sup>

خواننده گرامی، به تجربه در خواهد یافت که یادنامه شیخ، نسخه دوانما نیست؛ بلکه به حقیقت، حکم دارو داشته، بیماری‌های دل را شفا می‌بخشد، دل‌ها را نرم و نورانی می‌کند و سالک راه را به مقصد و مقصود، نزدیک‌تر می‌سازد.

### اعتبار منابع

چنان که اشاره شد، منابع زندگی‌نامه شیخ در این کتاب، اولاً مکتوباتی است از شاگردان و نزدیکان او که به این جانب نوشته یا برای این جانب، ارسال نموده‌اند و ثانیاً گفتگوهایی است که با شاگردان و ارادتمندان او انجام گرفته است (و این

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳.

مجموعه، در چهار دفتر رحلی، مضبوط و محفوظ است)<sup>۱</sup> و جز مواردی اندک، همه نقل‌ها، نقل مستقیم راویان از جناب شیخ است و همه راویان نیز - چه آنان که نامشان ذکر شده و چه آنان که به دلایلی نامشان ذکر نشده<sup>۲</sup> - مورد وثوق اند و من اطمینان دارم آنچه گفته‌اند، خلاف واقع نیست. در چند مورد نیز که مطالب مربوط به شیخ، از کتاب دیگری نقل شده‌اند، در پانوش، نشانی داده شده است.

نکته قابل توجه، این که همه آنچه در متن کتاب، در باره جناب شیخ آمده، گفته‌های شاگردان او در باره ایشان است،<sup>۳</sup> هر چند بدون ذکر نام گوینده یا منبع آمده باشد.

نکته دیگر، این که در نقل عبارت‌های شیخ که در گفتگوها آمده‌اند، احتیاط لازم به کار رفته و تلاش بسیار شده است که تا جای ممکن، عین عبارت‌ها نقل شود و اصلاحات ویرایشی و ادبی، به حدّ خود برسد.

آخرین نکته، این که بخش اعظم گفتگوها توسط یکی از دوستان گرامی این جانب، از ارادتمندان شیخ - که یاری دهنده بنده در گردآوری منابع بود و مایل به ذکر نامش در این مقدمه نیست - و با همت و اشتیاق و پیگیری مستمر وی انجام و ضبط شده و به تدریج در اختیار این جانب قرار گرفته است. بقیه گفتگوها نیز توسط خود

۱. از این چهار دفتر (مشمول بر ده‌ها گفتگو و ده‌ها نامه و سند و دست‌نوشته)، سه دوره تکثیر شده است که یک دوره آن نزد نگارنده، و دیگری در کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و سومی در کتابخانه دار الحدیث (قم) نگهداری می‌شود.

۲. گفتنی است در گردآوری اسناد و منابع کتبی و شفاهی مربوط به جناب شیخ (گرد آمده در چهار دفتر پیش‌گفته)، جهت حفظ اعتبار و سندیت، همه نام‌ها به دقت، ثبت و ضبط شده‌اند و هیچ نامی حذف نشده است.

۳. گفتنی است برخی از این بزرگواران، خاطرات خود را به خواست این جانب و یا خطاب به این جانب، «مکتوب» نموده‌اند.

این جانب<sup>۱</sup> یا سرویراستار محترم کتاب<sup>۲</sup>، انجام شده است.

### مقامات اهل معرفت

بزرگ‌ترین هنر جناب شیخ، دستیابی به کیمیای محبت خداست. او، این کیمیا را یافته بود و در کیمیاگری هم تخصص داشت<sup>۳</sup> و بدین مناسبت، یادنامه<sup>۴</sup> او، «کیمیای محبت» نام گرفت. جناب شیخ، با بهره‌گیری از این کیمیا، به حقیقت توحید رسید و چنان که در فصل سوم از بخش سوم این کتاب، ملاحظه خواهید کرد، می‌فرمود:

حقیقت کیمیا، تحصیل خود خداست.... محبت به خدا، آخرین منزل بندگی است.... میزان ارزش اعمال، میزان محبت عامل به خداوند متعال است.

گمان می‌کنم هر کس با زندگی مرحوم شیخ<sup>۵</sup> آشنایی پیدا کند، تصدیق خواهد کرد که او به حقیقت کیمیای محبت خدا پی برده بود. او با محبت ورزیدن نسبت به خالق خود، به کمالات و مقاماتی رسید<sup>۶</sup> یافت که تصور آن نیز برای ما دشوار می‌نماید.

و چه بسا که عجز و ناتوانی در درک مقامات اهل معرفت، موجب آن شود که افراد ناآگاه، آن را انکار کنند. از این روست که بینان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - در نامه عرفانی خود به فرزندان

۱. مثل گفتگو با برخی از مراجع عظام تقلید. به علاوه، از ۱۳۷۶ (انتشار تندیس اخلاص) به بعد، بارها، افرادی از نزدیکان یا شاگردان و ارادتمندان شیخ، به قصد قدر دانی، با این جانب تماس گرفته یا به دیدن بنده آمده‌اند، که این تماس‌ها و دیدارها، غالباً به دلیل مفید و پرنکته بودن، به قرارهای بعدی برای گفتگوی مفصل‌تر و ضبط آن انجامیده است.

۲. مثل گفتگو با آقایان: معزی، حکمی، نورانی و گفتگو با خانواده‌های: غروی امامی و میرزاده. گفتنی است سرویراستار کتاب، به ضرورت و اقتضای رفع ابهام از جملات ضبط شده یا تأیید و تکمیل نقل قول‌های مهمی که راویان آنها در قید حیات بودند، تماس‌ها و گفتگوهای بعضاً مکرر (از جمله با آقایان معزی، گلزاده، فرشچی و صبوری قمی) داشته است.

۳. ر. ک: ص ۱۹۱، ذیل عنوان: «بزرگ‌ترین هنر شیخ».

عزیزش مرحوم حاج احمد آقا، ایشان را به شدت، از این کار بر حذر داشته و فرموده است:

پسرم! آنچه در درجه اول به تو وصیت می‌کنم، آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی، که این، شیوه جهال است، و از منکرین مقامات اولیا پرهیزی، که اینان، قُطَاعِ طریقِ حق هستند.<sup>۱</sup>

و در توصیه به سرکار خانم فاطمه طباطبایی، همسر حاج احمد آقا، فرموده است:

من نمی‌خواهم تطهیر مدعیان را بکنم؛ که: «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد!». من می‌خواهم اصل معنا و معنویت را انکار نکنی؛ همان معنویتی که کتاب و سنت نیز از آن یاد کرده‌اند و مخالفان آن، یا آنها را نادیده گرفته و یا به توحید عاموساده پرداخته‌اند. و من به تو توصیه می‌کنم که اول قدم، بیرون آمدن از حجاب ضخیم انکار است، که مانع هر رشد و هر قدم مثبت است. این قدم، کمال نیست؛ لکن راه گشای به سوی کمال است....

در هر صورت، با روح انکار، نتوان راهی به سوی معرفت یافت. آنان که انکار مقامات عارفان و منازل سالکان کنند، چون خودخواه و خودپسند هستند، هر چه را ندانستند، حمل به جهل خود نکنند و انکار آن کنند، تا به خودخواهی و خودبینی‌شان خدشه وارد نشود.<sup>۲</sup>

### انسان‌های غیر قابل شناخت

مقامات اهل معرفت، کمالاتی است که برای بیشتر مردم، قابل توصیف و تبیین نیست. در این باره، حدیث زیبایی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

لَا يَقْدِرُ الْخَلَاتِقُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ تعالى، فَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ تعالى فَكَذَلِكَ

۱. صحیفه امام، ج ۲۲، ص ۳۷۱.

۲. همان، ص ۳۴۸.

لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ كُنْهِ صِفَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ كُنْهِ صِفَةِ الرَّسُولِ ﷺ  
فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ ﷺ وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ ﷺ  
كَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ كُنْهِ صِفَةِ الْمُؤْمِنِ<sup>۱</sup>.

خلایق، از پی بردن به کُنْهِ صفت خداوند ﷻ ناتوان اند، و همچنان که از رسیدن به گوهر صفت خدا ناتوان اند، از دریافت ژرفای صفت پیامبر خدا نیز ناتوان اند، و همچنان که از پی بردن به کُنْهِ صفت پیامبر خدا عاجزند، از رسیدن به ژرفای صفت امام نیز ناتوان اند و همچنان که امام را چنان که باید، نمی‌توانند بشناسند، از شناخت حقیقت مؤمن نیز، چنان که باید، ناتوان اند. انسان، هنگامی که به مقام «فناى فى الله» رسید، خلیفه و نماینده حضرت حق - جلّ و علا- در جهان هستی می‌گردد. در چنین موقعیتی، تحلیل و توصیف کمالات او، همچون کمالات حضرت حق، برای عموم مردم، غیر ممکن خواهد بود و در این خصوصیت، همانا که در کلام امام صادق ﷺ ملاحظه شد -، تفاوتی میان پیامبر و امام و مؤمن، وجود ندارد. بنا بر این، شگفت‌آور نخواهد بود که بگوییم: مقامات و کمالات افرادی مانند جناب شیخ، به آسانی قابل توصیف نیست. بر این اساس، شناساندن واقعی کمالات معنوی جناب شیخ، کاری است که از این کتاب و امثال آن بر نمی‌آید؛ لیکن بیشترین اثری که نگارش زندگی‌نامه او می‌تواند بر جای بگذارد، روشنگری در باره زندگی نورانی و ویژگی‌های شخصیتی جناب شیخ، کشف راز رسیدن او به مقامات والای اهل معرفت، و بیان سیره او در تعلیم و تربیت است، و این، خود، کاری بسیار ارزنده و بزرگ است که به فضل خداوند مَنان، سامان یافت. خدای را بر این توفیق عظیم، سپاس‌گزاریم.

### مزایای این چاپ

گفتنی است، ویرایش چهارم این کتاب - که اینک در اختیار خوانندگان قرار دارد -، مزایایی نسبت به چاپ‌های قبلی دارد که عبارت‌اند از:

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۴۵۲ (باب ۲۹۴، ح ۱۵۰۱).

۱. بازبینی و ویرایش مختصر متن کتاب؛
  ۲. افزودن بیش از یکصد خاطره جدید که در گذشته از آنها صرف نظر شده بود و یا در طول چند سال اخیر در اختیار نگارنده قرار گرفته‌اند؛
  ۳. افزودن شرح حالی مختصر از برخی مربیان و شاگردان جناب شیخ به آخر کتاب؛
  ۴. اضافه کردن برخی پانوشت‌های توضیحی (بویژه در باره اشخاص)؛
  ۵. مصدریابی برخی روایات و مستند سازی برخی مطالب؛
  ۶. اصلاح و تکمیل فهرست‌های پایانی کتاب.
- گفتنی است نقل قول‌ها نیز جهت روان‌سازی عبارت‌ها و تسهیل فهم، تا حدی ویرایش شده‌اند.

در پایان، لازم است از استاد ارجمند، حجة الإسلام و المسلمین مهدی مهریزی - که این بازبینی و ویرایش با مدیریت ایشان انجام شد - و از سرویراستار محترم کتاب، جناب آقای محمد مهدی - که علاوه بر مشاوره و ویرایش، مؤلف را در تحقیق و نگارش زندگی‌نامه‌ها یاری دادند - کار مستندسازی مطالب تاریخی و چند مصاحبه را بر عهده داشتند -، سپاس‌گزاری کنم.

همچنین از حجج اسلام، آقایان: سعیدرضا علی‌عسکری - که ویرایش چاپ نخست کیمیای محبت به عهده ایشان بود - و محمد مهدی خوش‌قلب - که در انتخاب خاطرات جدید و بازنویسی آنها و بازخوانی نسخه چاپ قبل، مریاری رساندند -، صمیمانه تشکر می‌کنم.

زحمات آقای امیرحسین سعیدی‌صابر در مراجعه به اصل گفتگوها و نمونه‌خوانی خاطرات جدید، نیز شایسته قدردانی است.

محمد محمدی ری‌شهری

یکم ذی‌قعدة ۱۴۳۶

۲۵ مرداد ۱۳۹۴